

بنام خداوند جان و خرد

سازمانهای سیاسی ملی باید با حضور گسترده و فعال در صحنه مبارزات سیاسی، بخشی از بار سنگین جنبش دانشجویی ایران را در مبارزه برای آزادی اندیشه، سخن و قلم و استقرار حاکمیت ملی و مردمسالاری به دوش گیرند

ممکن بکشانند. اگر آقای خاتمی چنانکه چندبار در سخنانشان به اهمیت نقش نیروی جوان و دانشجویان اشاره و تأکید داشتند، به خود جرأت می دادند تا دست کم نشستهای ماعانه ای را با دانشجویان داشته باشند و هر سه ماه در جایگاهی چون ورزنگاه آزادی مسائل و دشواریهای خویش را با مردم و نسل جوان در میان می گذاردند و حمایت آنها را طلب می کردند، بدون شک امروز خود و کشور را با بن بست های موجود مواجه نمی ساختند.

یورش مغول وار به خوابگاه دانشگاه تهران در ۱۸ تیرماه، سپس حمله به مراسم دانشگاه تبریز که هر دو از سنگین ترین رویدادهای کشور به شمار می روند، وقایعی بود که ریاست جمهوری می بایست با همه توان در مورد آنها به میدان می گذارند و متجاوزان را به مجازات می رساندند. ایشان می توانستند از آن رخداد شرم آور برای کشور بهره بجویند و به حق بخواهند تا بر اساس قانونی روشن و بی چون و چرا مسئولیت نیروهای انتظامی بر عهده شخص رئیس جمهور گذارده شود تا بتواند امنیت شهروندان، از جمله دانشجویان را، در سراسر کشور حفظ کند و در صورت کوتاهی در انجام آن مهم، در برابر نمایندگان ملت پاسخگو باشد.

جنبش دانشجویی ایران با وجود برخورداری سرکوبگرانه حاکمیت و توطئه های گوناگون برای در هم شکستن یکپارچگی آن و اگر حمله ایجاد دوستگی در دفتر تحکیم وحدت و احضارها و بازداشتها و محکومیت ها و به زندان

جریان تحکیم وحدت را پدید آوردند؛ به این نیت که همه چیز را در کنترل داشته باشند و از نیروهای دانشجویی در مراسم حکومتی بهره برداری کنند. ولی در عمل رفته رفته این دانشجویان بودند که با توجه به انحصارطلبی های حاکمیت و تلاش آن برای برقراری یک فضای بسته بر دانشگاهها، خود را یافتند و با هوشمندی به موضع گیری پرداختند. آنها با شناختی که از برخورداری خشن و کلان حاکمیت داشتند، همواره کوشش خود را پدید آوردند تا با کمترین هزینه ممکن از خود واکنش نشان دهند.

در رنجدها پارویداد دوم خرداد فصل تازه و کم سابقه ای در نقش آفرینی نیروی دانشجویی شنوده شد و جنبش نوین دانشجویی در ایران شکل گرفت. حضور گسترده و پرشور دانشجویان در جریان انتخابات ریاست جمهوری فضای ایران را دگرگون ساخت و شور و نشاط خاصی به جامعه بخشید. همگامی نیروهای گسترده دانش آموزی در آن برهه بر ایجاد مسئله افروز و حاکمیت انحصار طلب خود را با اقدام گسترده انسانی مواجه دید که به اعتباری دانشجویان و دانش آموزان موتور محرک حرکت را تشکیل می دادند. بدون شک اگر در آن زمان آقای خاتمی و اطرافیان نزدیک ایشان هوشمندی به خرج داده بودند و بکار ساماندهی آن نیروی عظیم پرداخته بودند، امروز شرایط جامعه در این وضع قرار نداشت و حرکت اصلاح طلبی در موقعیتی توانا و مسلط قرار گرفته بود. به گونه ای که دیگر انحصار طلبان و نمایندگی خواهان را توان و جرأت آن نبود تا اینچنین ناختم و تاز کنند، جامعه را در تنگنا قرار دهند و کشور را به بحرانی ترین شرایط

انقلاب به روشنی قدرت و نقش مؤثر دانشگاهها را در ایجاد ظواهرات گسترده و پرشور دریافته بودند، و می دانستند که به شرط ایجاد فضای آزاداندیشی در دانشگاهها، برای پیشبرد برنامه های خود و قبضه کردن قدرت، با مقاومت شدید این کانون ها در سراسر کشور مواجه خواهند گشت؛ پدیده ای که در عمل آنها را از دستیابی به یک ساختار "توتالیتر" و حکمرانی مطلق یک گروه خاص، و به بیان روشن تر قبضه کردن همه امور در دست روحانیت، محروم خواهد ساخت.

گماشتن گروههای گزینش در تمامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به آن خاطر بود، به تمامی توان از حضور استادان و هیئتهای علمی آزاد اندیش و با صبر و احتیاط جلوگیری کنند و با برخورداری امتیعی شدید دیگران را که از هفت خوان گزینش جان بدربرده بودند، وادار سازند تا کلامی خلاف رای و نظر آنها بر زبان نرند و با کنترل های شدید و اعمال فشارهای مختلف، دانشجویان را در جو وحشت و نگرانی مداوم نگه دارند. آنها با این تمهیدها و با بهره جستن از شرایط جنگی حاکم بر کشور، توفیق یافتند تا چند سالی دانشگاهها را به محیطی سرد و بی روح تبدیل کنند و با گماردن شمار فراوانی دانشجویان را به کمترین حد خود برسانند. با اینحال، آن گاه که به گاه شاهد تحریک های خاص در دانشگاهها بودند، برای آنکه بتوانند از حرکت های ناگهانی جلوگیری کنند، دست به کار ساماندهی انجمن های اسازمی شدند و پس از مدتی

فاجعه شانزدهم آذر ۱۳۳۲، در پی رویداد کودتای ۲۸ مرداد، رخداد تلخی در تاریخ مبارزات ملت ایران در برابر سلطه بیگانگان و رژیم دست نشانده و حکومت فردی بشمار می رود. از اینرو است که ۱۶ آذر به نام روز دانشجوی خوانده شده و همه ساله دانشجویان می کوشند تا در همه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، با برپایی آیین های ویژه تفر شدید خود را از اقدام جنایتکار رژیم شاه در پوشش به دانشگاه و سرکوب دانشجویان و شکنجه حرمت نام کانون به دست نیروهای مسلح اعلام دارند.

در پی رویداد بهمن ۱۳۵۷، ملت ایران می نداشت که با انجام این دگرگونی بنیادین، دیگر هیچگاه حکومت به خود اجازه تجاوز به حریم دانشگاه و سرکوب دانشجویان را نخواهد داد. در نهایت، تأسفد، در کوتاه ترین زمان ممکن شرایطی پدید آمد که همه دانشگاههای کشور به اراده حاکمان پس از انقلاب برای مدتی طولانی بسته شدند. پس از آنکه سرانجام حاکمیت خود را مجبور به بازگشایی دید، دانشجویان آوار شمرار فراوانی از استادان صاحب توان را از دانشگاهها کنار گذاشت. گروههایی از دانشجویان را اخراج کرد و جو ترورد و سرکوب را بر دانشگاهها حاکم ساخت. تشنگان قدرت که بر پایه تلاشهای گسترده همین استادان و دانشجویان در طول ماههای پیش از انقلاب، و خطر کردن های فراوان آنان، به قدرت تکیه زده بودند، به درستی باور داشتند که فضای آزاد در محیط دانشگاهها پرتو افکنند، همیشه با این کانونها مشکل خواهند داشت.

آنها در جریان ماههای پر آشوب پیش از